

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۱۴، دوره ۲۹، بهار ۱۴۰۴، ۱۹۱-۲۲۰

مقاله پژوهشی: داوری پذیری دعاوی بانکی در حقوق ایران

اويس رضوانيان*  داريوش احمدي** 

اکبر میرزائزاد جویباری***  یاسر مرادی****

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

داوری بانکی / دعاوی بانکی / اصل ۱۳۹ قانون اساسی / قانون بانک مرکزی

چکیده

این پژوهش در صدد بررسی امکان قانونی ارجاع دعاوی بانکی به داوری و چالش‌های آن است. نویسندگان کوشیده‌اند، با بررسی قوانین و مقررات بانکی، قانون آیین دادرسی مدنی و مقررات داوری، هم چالش‌های داوری پذیری دعاوی بانکی و هم راهکارهای آن را با نظر داشت معایب و مزایای داوری در این نوع از دعاوی مورد مطالعه قرار دهند. در این مسیر، امکان داوری پذیری با ملاحظه قانون اخیرالتصویب بانک مرکزی نیز مورد مذاقه قرار گرفت. بر این بنیاد، پرسش اصلی پژوهش این است که آیا دعاوی بانکی امکان ارجاع به داوری را دارند یا خیر. حاصل پژوهش، چنین گرد آمده است که امکان داوری در دعاوی بانکی همچنان وجود دارد و

*. استادیار گروه حقوق، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، ایران o.rezvnaian@imps.ac.ir

**. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، ایران d.ahmadi@imps.ac.ir

***. دانشیار گروه حقوق، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، ایران a.m.jouybari@imps.ac.ir

****. استادیار، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران Yaser110.us@gmail.com

حتی ترویج این شیوه حل و فصل در حقوق بانکی کاملاً ضروری است. بر همین بنیاد، وضع قانون جدید بانک مرکزی و تمهید شعب ویژه رسیدگی به دعاوی بانکی نیز مانع ارجاع دعاوی بانکی به داوری نیست و از ضرورت موجود نخواهد کاست و از نظر قانون اساسی و سایر قوانین نیز مانعی برای حل و فصل بسیاری از دعاوی بانکی از طریق داوری وجود ندارد.

تقویت آموزش حقوق و دعاوی بانکی برای دانشجویان حقوق و کارآموزان وکالت، آموزش مباحث داوری و مزایای داوری تخصصی به مدیران ارشد بانکی، تشویق بانک‌ها به ارجاع دعاوی بانکی به داوری و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای داوری متخصص در زمینه داوری و به ویژه حل و فصل دعاوی بانکی به شیوه‌ای نظام‌مند توسط مراجع داوری نیز از جمله پیشنهادهایی است که از سوی نویسندگان مقاله جهت ترویج داوری بانکی ارائه شد.

نویسندگان کوشیده‌اند پژوهشی کاربردی و تحلیلی ارائه نمایند، لذا روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش و شیوه گردآوری و تدوین یافته‌ها نیز تحلیلی و کتابخانه‌ای و با نگرشی کاربردی است.

طبقه‌بندی JEL: K22, D83, D89



Arbitrability of Banking Disputes Under Iranian Law

Owais Rezvanian, Assistant Professor, Law Department, Higher Institute of Management and Planning Education and Research, Tehran, Iran 

Daryoosh Ahmadi¹, PhD student in private law, Higher Institute of Management and Planning Education and Research, Tehran, Iran  (Corresponding Author).

Akbar Mirzanezhad Jouybari, Associate Professor, Law Department, Higher Institute of Management and Planning Education and Research, Tehran, Iran 

Yaser Moradi, Assistant Professor, Imam Sadeq University, Tehran, Iran

Received: 4 Jan 2025

Revised: 1 Feb 2025

Accepted: 16 Feb 2025

Banking Arbitration / Banking Disputes / Article 139 of the Constitution / Central Bank Law

This article examines the legal feasibility of submitting banking disputes to arbitration and addresses the associated challenges. The authors have analyzed banking laws and regulations, the Civil Procedure Code, and arbitration provisions to evaluate both the obstacles to arbitrability in banking disputes and potential solutions. Furthermore, the study explores the advantages and disadvantages of arbitration within this specific legal framework. The potential for arbitrability is also assessed in light of the recently enacted Central Bank law. Therefore, the primary question of this research is whether banking disputes can be referred to arbitration. The paper elaborates on the nature of arbitration and banking arbitration under Iranian law, providing practical solutions to address existing obstacles. It discusses the benefits and drawbacks of arbitration in this important area of law. The potential for arbitrability is also analyzed in light of the recently enacted Central Bank law.

1. d.ahmadi@imps.ac.ir

JEL Classification:K22, D83, D89

Data Availability: The data used or generated in this research are presented in the text of the article.

Conflicts of Interest: The authors of this paper declared no conflict of interest regarding the authorship or publication of this article.

۱. مقدمه

داوری به عنوان یک روش حل و فصل اختلافات خارج از دادگستری، شیوه‌ای پذیرفته شده در ایران و جهان است. تلاش دولت‌ها نیز بر ترویج و گسترش نهاد داورى است. پذیرش کنوانسیون بین‌المللی اجرای آرای داورى (نیویورک)، تأسیس مرکز منطقه‌ای داورى تهران، تأسیس نهادهای داورى در اتاق‌های بازرگانی و ایجاد مراکز متعدد داورى و میانجی‌گری، با در نظر گرفتن مواد متعددی از قانون آیین دادرسی مدنی و قانون داورى تجاری بین‌المللی، و تلاش دانشگاه‌ها و مراکز علمی فعال در زمینه حقوق در آموزش داورى در کنار اهتمام کانون‌های وکلا در ترویج نهاد داورى و آموزش عملی آن به وکلا و ... از جمله دلایل اقبال روزافزون نهادها و اشخاص حقیقی و حقوقی در استفاده و ترویج نهاد داورى و بیانگر ضرورت گسترش نظام‌مند این روش حل و فصل اختلافات است.

از تصویب کنوانسیون نیویورک در مورد شناسایی و اجرای آرای داورى خارجی، در سال ۱۹۵۸، تاکنون بیش از ۱۶۰ کشور آن را پذیرفته و تصویب کرده‌اند. که حاکی از اقبال رو به رشد به داورى است.^۱

پرسش مهمی که در این پژوهش بدان پرداخته خواهد شد این است که آیا از نظر قانونی امکان داورى در دعاوی بانکی نیز وجود دارد یا خیر؟ چالش‌های داورى بانکی و راهکارهای آن در کنار مزایا و معایب آن در نظام حقوقی ایران چیست؟

برای پاسخ باید ابتدا ماهیت داورى و ماهیت داورى بانکی را از نظر حقوقی و قانونی بررسی اجمالی و دامنه شمول آن را مشخص نمود. سپس به امکان داورى‌پذیری دعاوی بانکی از نظر مقررات موجود پرداخت و در نهایت فایده داورى‌های بانکی و دلایل موافقان و مخالفان آن را تحلیل کرده و در این راستا نگاهی نیز به ادبیات حقوقی داورى در دنیا داشت. در این پژوهش، همچنین با توجه به قانون جدید بانک مرکزی، به این پرسش پرداخته خواهد شد که، آیا با ایجاد محاکم ویژه رسیدگی به دعاوی بانکی، امکان ارجاع اختلافات بانکی به داورى وجود دارد یا خیر؟

بعد از طرح و اثبات امکان داورى‌پذیری بانکی، نحوه مواجهه داور با مقررات بانکی، در فرض مخالفت با قوانین موضوعه، مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در پایان پیشنهادهایی

برای ترویج استفاده کارآمد از داوری در حل و فصل اختلافات بانکی ارائه خواهد گردید. متأسفانه ادبیات حقوقی به‌ویژه در ایران، در زمینه موضوع این پژوهش غنی نیست. در اندک مطالعات انجام یافته نیز نگرش کاربردی مبتنی بر مقایسه مزایا و معایب ملاحظه نمی‌شود و تغییرات قانونی جدید و جایگاه داوری‌پذیری بانکی در مقررات فعلی با نظرداشت قانون اخیرالتصویب بانک مرکزی مورد مذاقه قرار نگرفته است.

از سوی دیگر، در رویه قضایی ایران نیز آرای‌هایی در این خصوص وجود ندارد و این امر وظیفه پژوهشگران را دوچندان می‌کند، زیرا هم باید مبانی نظری را واکاوند و هم در این مطالعات، رویکردی کاربردی داشته باشند تا حاصل یافته‌ها در انعقاد قراردادهای داوری یا درج شروط داوری در عقود بانکی و نیز نحوه مواجهه محاکم دادگستری و مراجع داوری با این شروط و قراردادهای مورد استفاده قرار گیرد.

لذا، در این پژوهش ابتدا ماهیت نهاد داوری بانکی را می‌کاویم. ماهیت مختلط داوری را از دو منظر ماهیت داوری و ماهیت دعاوی بانکی، پی می‌گیریم و پس از آن اصل داوری‌پذیری دعاوی بانکی را با تمسک به اصل داوری‌پذیری و عدم وجود منع و تصریح قانونی در حیطة ارجاع دعاوی بانکی به داوری در حقوق ایران، پی می‌گیریم. سپس مزایا و معایب داوری بانکی را که نظر به ماهیت حقوق بانکی نمودی مضاعف دارند، بیان و از رجحان مزایا بر مبنای، به شکلی مدلل، سخن می‌گوییم.

در پنجمین بخش از این پژوهش، موانع قانونی ارجاع اختلاف بانکی به داوری را بررسی می‌کنیم و به این نتیجه می‌رسیم که بسیاری از این موارد، موانع قانونی نیستند و ابهاماتی قابل رفع هستند. و در بخش ششم از این مقاله نیز رویکرد نظام بانکی به داوری را، با دیدی نقادانه و کاربردی، مطالعه و در هفتمین مبحث نیز تاثیر یا عدم تاثیر تصویب قانون جدید بانک مرکزی و ماده ۳۵ این قانون، در امکان داوری‌پذیری را بررسی می‌کنیم. در بخش هشت، محدوده اختیار داوران در مواجهه با مقررات مخالف قوانین موضوعه در دعاوی بانکی را بررسی و در می‌یابیم که نظر به ماهیت حقوق بانکی با سایر حقوق در این موضوع تفاوت‌ها و محدودیت‌هایی وجود دارد. و در نهایت، در نهمین بخش، که خود شامل دو قسمت است، ابتدا استنتاجات پژوهش و در قسمت پایانی آن پیشنهادهای مبتنی بر این پژوهش را ارائه می‌نماییم.

۲. ماهیت نهاد داوری دعاوی بانکی

تعیین دقیق ماهیت داوری بر گستره و دامنه قوانین قابل اجرا در امر داوری و وضعیت حقوقی داور و اعمال استقلال او، در هر نظام حقوقی ای که داور در آن عمل می‌کند، موثر است. از میان نظریات مختلف در تعارض بین عرصه حقوق عمومی و خصوصی برخی اولویت را بر عرصه حقوق عمومی (ماهیت قضایی و ماهیت امتیاز)^۱ و برخی نیز بر عرصه حقوق خصوصی (ماهیت قراردادی) داده‌اند^۲ و برخی به ماهیت ترکیبی (عمومی - خصوصی) و بعضی نیز، با مذاقه در نظرات فقها، ماهیت قاضی تحکیم را (قضایی - قراردادی) انگاشته‌اند^۳. و برخی نیز معتقد به ماهیتی مستقل برای داوری هستند.^۴

به نظر می‌رسد، در داوری تجاری نظریه مختلط رجحان دارد. حال اگر در داوری تجاری بین‌المللی معتقد به نظریه مختلط باشیم، به طریق اولی و قیاس اولویت در داوری داخلی، که مقررات داخلی و قضایی قدرت مضاعفی دارد، نمی‌توانیم داوری را بر نظریه قراردادی بودن صرف، منطبق بدانیم و منطق حقوقی ایجاب می‌کند که اختلاط را در این عرصه نیز پذیرا باشیم و نظریه سوم را قبول کنیم. این پذیرش، هم به واقعیات نزدیکتر است و هم موجب تشابه و هماهنگی بیشتر رویه داخلی با رویه بین‌المللی می‌شود و از سردرگمی و اختلاف آرای داوران نیز می‌کاهد و مواجهه قضایی قضات با داوری را نیز به قواعد پذیرفته شده داوری نزدیک‌تر می‌کند. بنابراین داوری بانکی نیز ماهیتی مختلط دارد و ثمره این بحث و استنتاج این است که داوران به هنگام مواجهه با دعاوی بانکی باید این ویژگی دوگانه عمومی خصوصی را لحاظ کنند. حقوق بانکی، هم تحت تاثیر حقوق خصوصی است و هم، به دلیل رعایت قواعد آمره و قوانین و مقررات بانک مرکزی، متأثر از حقوق عمومی است. لذا خود حقوق بانکی نیز ماهیتی مختلط دارد نظر داشت این ماهیت در تحلیل و توصیف دقیق موضوع اهمیت مضاعفی دارد و داور را در مقام رسیدگی یاری می‌دهد.

۱. مافی، همایون، محمد حسین، تقی‌پور. (۱۳۹۶)

2. Franck, Susan D. (2000)

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۰).

۳. مهاجری، علی. (۱۳۹۲).

۴. هوشمند فیروزآبادی، حسین. (۱۴۰۱)

۵. شمس، عبدالله، بطحائی، سید فرهاد. (۱۳۹۴)

۳. تمسک به اصل داوری پذیری برای اثبات داوری پذیری دعاوی بانکی

اصل براین است که تمامی اختلافات را می‌توان به داوری ارجاع داد، مگر اینکه خلاف آن در قانون تصریح شده باشد.

قانون، دعاوی ورشکستگی، نکاح، طلاق و نسب را از ارجاع به داوری منع کرده است و برای ارجاع برخی دعاوی به داوری نیز الزاماتی را در نظر گرفته، که شناخته شده‌ترین آن ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی (موضوع اصل قانون اساسی ۱۳۹) است. بنابراین در زمان تردید، می‌توان به اصل داوری پذیر بودن دعاوی در حقوق ایران استناد نمود و واضح است که چنین رویکردی دامنه شمول دعاوی داوری پذیر را در حقوق ایران بسیار گسترده می‌نماید. تمسک به این اصل نیز امکان قانونی داوری پذیری بانکی را تأیید می‌کند.

از سوی دیگر، داوری می‌تواند نظر به الزام یا عدم الزام قانونی، اختیاری یا اجباری باشد. داوری اختیاری مرسوم‌ترین نوع داوری است، که به قرینه تبادلر بدان می‌رسیم. اما در داوری اجباری که مصادیقی از آن را در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله حقوق ایران، می‌توان یافت، مقنن حق دادخواهی و توسل به مرجع قضایی را به‌طور مطلق یا نسبی از طرفین سلب و ایشان را برای حل و فصل اختلاف الزام به مراجعه به داوری می‌نماید. شناخته شده‌ترین نمونه‌های داوری اجباری در نظام حقوقی ایران، داوری موضوع ماده ۳۶ قانون اوراق بهادار (موسوم به داوری بورس) و داوری موضوع ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (موسوم به داوری خصوصی‌سازی) است. در این دو مورد داوری اجباری، نه تنها اصل ارجاع اختلاف به داوری از سوی مقنن اجبار شده است، بلکه حتی ترکیب داوران نیز از پیش تعیین گردیده و طرفین اختیاری نه در تغییر و نه جرح داوران، ندارند.^۱ محدودیت اراده و اختیارات طرفین در چنین داوری‌هایی تا به حدی است که برخی اساساً این ساز و کار را داوری ندانسته و نام داوری را نیز صرفاً اشتراک لفظی دانسته‌اند.^۲

مداقه در حقوق بانکی و اصل اختیاری بودن داوری‌ها و نیز عدم وجود مقرره‌ای بر لزوم داوری بانکی، نشان می‌دهد که، داوری بانکی در حقوق ایران از نوع داوری اختیاری است.

۱. میرزا نژاد جویباری، اکبر، رضوانیان، اویس. (۱۴۰۱)

۲. رضوانیان، اویس. (۱۳۹۶)

۴. مزایا و معایب داوری در اختلافات بانکی

داوری مزایا و معایبی دارد و بالتبع داوری بانکی نیز مزایا و معایبی دارد که در بخش اول مزایای داوری دعاوی بانکی و در بخش دوم این مبحث معایب آن را بیان می‌کنیم.

۴-۱- مزایای داوری در اختلافات بانکی

در خصوص مزایای داوری در اختلافات بانکی موارد زیر قابل ذکر است:

الف) حل و فصل سریع اختلافات: هزینه‌های رسیدگی داوری غالباً به مراتب بسیار کمتر از هزینه‌های رسیدگی از محاکم دادگستری است. این مزیت با بالا رفتن هزینه‌های طرح دادخواست در محاکم در سنوات اخیر به شکل مضاعفی اهمیت خود را نشان داده است. تعرفه داوری، اعلامی قوه قضائیه و مراکز داوری اتاق‌های بازرگانی به مراتب از هزینه یک دادخواست بدوی کمتر هستند.

از دیگر دلایل کارایی داوری، تراکم شدید پرونده‌ها و زمانبر بودن رسیدگی در محاکم دادگستری و سرعت رسیدگی مناسب در داوری‌هاست. تراکم پرونده‌ها، فرصت و تمرکز لازم را به قضات، به آن میزانی که داوران امکان آن را دارند، اعطا نمی‌کند. زیرا داوری روشی شبه قضایی است.^۲

ب) تخصصی بودن داوری‌های بانکی: دعاوی بانکی تخصصی هستند و هرچه دعوا تخصصی باشد، ارجاع به داوران متخصص نتیجه دقیق‌تری نسبت به دادگاه دارد. مزیت بسیار مهم دیگر داوری، حق انتخاب داوران از سوی طرفین دعواست. هرچند داوران از سوی طرفین برگزیده می‌شوند اما استقلال و بی‌طرفی ایشان به مانند بی‌طرفی قضات امری ضروری است.^۳ و همواره از جمله اصول اساسی بوده است و این دو مفهوم نیز از یکدیگر متمایز هستند. استقلال به روابط مالی و شخصی داور با طرفین دعوا یا وکلایشان مربوط می‌شود و بی‌طرفی نیز به عدم جانبداری داوران گفته می‌شود.^۴

۱. قاسمی، مهدی، واحدی زاده، جواد، اندرز، داود. (۱۴۰۲)

2. Manzaneres Bastida, Bruno. (2007)

3. Cole, Tony, and Autors. (2014)

4. Nguyen, Anh Thuy Dung. (2023)

5. Hascher, D. (2012)

۶. واحد، شقایق، معبودی نیشابوری، رضا. (۱۳۹۴)

استقلال و بی طرفی در داوری های سازمانی چندان محل مناقشه نیستند، وجود سه داور متخصص، که هرکدام می توانند جنبه های مختلف موضوع را بکاوند و بسنجند، امر بسیار درخور توجهی است، که بعضاً در احصای مزایای داوری از آن غفلت می شود.

هر چند، برابر برخی از اسناد بین المللی، از جمله مقررات داوری کمیسیون حقوق تجارت بین الملل (آنسیتال) در ماده ۷ خود، قاعده پیش فرض در داوری سریع را استفاده از یک داور برای داوری دانسته است، با این حال طرفین می توانند بر بیش از یک داور توافق کنند، که طبیعتاً از سرعت داوری کاسته می شود.^۱

پ) پایین بودن هزینه داوری: در دعاوی داوری بانکی این اهمیت مضاعفی پیدا می کند، به ویژه این بخش از مزایای داوری به نفع طرف مقابل بانک، علی الخصوص گیرنده تسهیلات بانکی، است. مخصوصاً اگر توانایی مالی اندکی داشته باشد تأمین هزینه داوری برایش سهولت بیشتری دارد تا دعاوی دادگاه که با احتساب دو مرحله بدوی و تجدید نظر مبلغ بسیار کلانی می تواند باشد.

شاید گفته شود، مزیت دادگاه این است که معسر به شرط اثبات اعسار می تواند از هزینه های دادرسی قضایی موقتاً معاف شود. در پاسخ باید گفت: اولاً فرض اثبات اعسار در دعاوی بانکی نیز بسیار دشوار است، به ویژه وقتی که شخصی گیرنده تسهیلات بوده است مفروض این است که توان مالی وی استصحاب می شود. اما مورد مهم تر این است که گیرنده تسهیلات اگر شخص حقوقی، نظیر شرکت، و یا حقیقی (تاجر) باشد، این مزیت نیز به کلی منقضی است. بنابراین، داوری در باب هزینه های دادرسی در اغلب موارد راهگشا تر است، زیرا ارزان تر است.

ت) انعطاف پذیری و قدرت انتخاب برای طرفین دعوا: این ویژگی نیز مزیت بسیار بزرگی است که در محاکم دادگستری وجود ندارد.

ث) ضرورت محرمانه بودن رسیدگی به دعاوی بانکی: این خصیصه با اصل علنی بودن محاکمات دادگستری، تطابق چندانی ندارد. اصل علنی بودن محاکمات دادگستری در اصل ۱۶۵ قانون اساسی آمده است و محکمه، جز در موارد منافی عفت عمومی یا مخالف نظم عمومی بودن، مجبور به رعایت علنی بودن رسیدگی است، مگر اینکه در دعاوی خصوصی هر دو طرف تقاضا کنند. در غیر این صورت، حق و یا تکلیفی بر غیر علنی بودن رسیدگی وجود ندارد.

داوری برخلاف دادرسی قضایی است و محرمانگی اصلی پذیرفته شده در داوری هاست. در واقع خصوصی و محرمانه بودن داوری از خصیصه‌های اصلی مراجعه به داوری‌اند.^۱ ذائقه امور مالی و تجاری به محرمانه بودن تمایل بیشتری دارد. به نظر می‌رسد این ضرورت در دعاوی بانکی بیشتر باشد زیرا دعاوی مالی و بانکی برای طرفین دعوا، مخصوصاً نسبت به طرفی که بازنده آن باشد، می‌تواند به تنزل اعتبار مالی و جایگاه اقتصادی وی بینجامد. بنابراین مفروض انگاشتن تمایل بیشتر طرفین این دعاوی به محرمانگی معقول‌تر است.

ج) سهولت اجرا: ویژگی بسیار مهم داوری، سهولت اجراست، که به‌ویژه در آرای داوری خارجی و کنوانسیون نیویورک، نقش اساسی دارد و پذیرش آن به مراتب اجرای آرای داوری را در محاکم خارجی راحت می‌کند، تا اجرای آرای خارجی در یک کشور دیگر. این خصیصه نیز می‌تواند هم برای بانک‌ها و هم برای طرفین دعاوی بانکی، مطلوب باشد. هدف از حصول محکومیت غالباً مطالبه مال است و آن نیز جز با اجرا میسر نمی‌شود. به نظر می‌رسد حتی بانک‌های داخلی به راحتی می‌توانند از این قاعده، در قبال مشتریانی که اموال قابل توجهی در خارج از کشور دارند، بهره‌مند شود. شرط اصلی این است که بررسی شود کشوری که محل وقوع مال و اجرای آراست، همانند ایران، عضو این کنوانسیون است یا خیر؟

۴-۲. معایب داوری در اختلافات بانکی

الف) محدود بودن مدت داوری: امری است، که اگر طرفین به آن توجه کافی نکنند، منجر به خاتمه داوری می‌شود و صدور رای بعد از خاتمه زمان داوری نیز از موارد غیرقابل اجرا بودن رای داوری است.

ب) ابطال پذیری رای داور: رای داوری یک مرحله‌ای و قطعی است، اما برخی از موارد می‌تواند منجر به ابطال آرای داوری شود. اگر دعاوی ابطال نزد قاضی محکمه‌ای مطرح شود که تخصص کافی به امر مطرح در داوری یا اساساً بنیان داوری نداشته باشد، می‌تواند رای صحیح داور را نیز باطل سازد. بنابراین گفته شده است که، قابلیت ابطال رای داوری را باید شمشیری دو لبه دانست، که هم می‌تواند ضامن اجرای عدالت و هم ناقض اجرای عدالت

باشد.^۱ این امر نیز در دعاوی بانکی می تواند، به دلیل تخصصی تر بودن مسائل حقوق بانکی، نمود بیشتری داشته باشد.

پ) آشنا نبودن داور به حقوق موضوعه: این امر نیز ایرادی است، که ممکن است از ناآشنایی داور به حقوق موضوعه حاکم بر ماهیت داوری یا ناآگاهی وی از حقوق داخلی ایران یا به طور کلی غیرحقوقدان بودن داور، نشأت گیرد. که البته در داوری های تجاری و بانکی احتمال این امر به مراتب کمتر است.

ت) عدم امکان صدور دستور موقت: امری بسیار مهم است و در قانون ایران در باب داوری آیین دادرسی مدنی سخنی از امکان یا عدم امکان صدور دستور موقت توسط داور به میان نیامده است و این موجب اختلاف آرا شده است. تفسیر رایج از ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، به عنوان قاعده ای عام، نیز مانع مراجعه به دادگاه جهت صدور دستور موقت در دعاوی مطرح در داوری است.^۲

هر چند در قانون داوری تجاری به صراحت حق صدور دستور موقت برای داور در نظر گرفته شده است و مواد ۹ و ۱۷ این قانون برآن تصریح دارد، اما این امر در داوری داخلی مورد پذیرش قرار نگرفته و مسکوت است.^۳ برابر نظریه مشورتی قوه قضائیه به شماره ۷/۹/۱۱ در سال ۱۳۹۸ امکان درخواست صدور دستور موقت، چه پیش و چه پس از شروع داوری، از دادگاه ذیصلاح وجود دارد ولی متأسفانه قاعده تلازم اذن در شی و اذن در لوازم آن در مقوله داوری داخلی ملاحظه نمی شود و این از ایرادات و نواقص داوری داخلی است.^۴

این نقیصه در داوری های بانکی، که در آن موضوعات مختلف ضرورت صدور دستور موقت برای فرار از تعهدات یا فروش وثایق یا معاملات صوری و... را دارد، بیشتر نمایان می شود و اصلاح قانون و تصریح بر اختیار مرجع داوری داخلی جهت صدور دستور موقت به عنوان بازوی نیرومند رسیدگی دقیق و موثر و پاسداشت وصف فوریت آن از ضروریات است. این امر در حقوق بانکی و اجرای قراردادهای بانکی و صدور اجرائیه و به فروش گذاردن وثایق و... ضرورت مضاعف دارد.

۱. علی دادی ده کهنه، علی، جوهری، ابوزر. (۱۳۹۸).

۲. جنیدی، لعیا، حق پرست، رضا. (۱۳۹۳).

۳. اسدی نژاد طاهرگورابی، سید محمد، اسدی نژاد طاهرگورابی، میرحامد. (۱۳۹۳).

۴. تشدید، مسلم. (۱۳۹۷).

ث) **رسیدگی تک مرحله‌ای داوری:** این مورد را نیز برخی از معایب داوری می‌دانند، اما به نظر ما اگر داوری مرحله‌ای شود، از سرعت رسیدگی داوری، که خود ویژگی مهمی است، دور می‌شود. همچنین، هزینه داوری افزایش یافته، و داوری به رسیدگی قضایی شبیه می‌شود که منطقی نیست. یک مرحله‌ای بودن داوری، مزیت دیگری دارد و بر لزوم دقت نظر طرفین در انتخاب داور یا هیئت داوران و یا دیوان داوری می‌افزاید. در داوری دعاوی بانکی، به‌ویژه در مورد دعاوی تخصصی تسهیلات بانکی و نظایر آن، دقت در انتخاب داوران ضرورت مضاعفی می‌یابد. اساساً، هر موقع که نابرابری طرفین، چه از لحاظ قدرت اقتصادی و حقوقی و یا از لحاظ الحاقی بودن عقد نسبت به یک طرف، محرز است، تخصص توأم با بی‌طرفی و استقلال به شدت برای داوران ضروری است تا عدالت را به درستی اجرا و قضیه را در قاموس آن حل و فصل کنند.

از سوی دیگر، رسیدگی چند مرحله‌ای زمانی فایده دارد که مرجع عالی نسبت به مرجع تالی واجد تخصص بیشتری باشد. بعضاً ملاحظه می‌شود که مراجع تجدید نظر در قیاس با شعبه بدوی در امر خاصی که محل اختلاف و منجر به پژوهش و اعتراض شده است واجد تخصص مورد نیاز نیست.

ج) **عدم امکان ارجاع دعاوی ورشکستگی به داوری:** این مورد نیز از مواردی است که ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی آن را تصریح کرده است. لیکن با تفسیر مضیق می‌توان این ماده را ناظر به دعاوی اصلی ورشکستگی، مانند اعلام ورشکستگی و اعاده اعتبار آن عزل و نصب مدیران تصفیه و عضو ناظر و مهر و موم و توقیف اموال، دانست و امکان ارجاع سایر دعاوی فرعی، نظیر دعاوی بستانکاران علیه ورشکستگی ورشکسته، و تصدیق مطالبات و قرارداد ارفاقی را فراهم ساخت.^۱

چ) **عدم امکان مداخله ثالث در داوری:** در نظام حقوقی ایران توجه چندانی به امر مداخله ثالث در داوری نشده است و رویه قضایی یکسانی نیز وجود ندارد و دکترین نیز شفاف نیست و نظر به اینکه داوری مبتنی بر رضایت طرفین است توسعه شرط داوری نیز مستلزم رضایت صریح تمام طرفین داوری و نیز شخص ثالث است و رضایت ضمنی نیز کفایت نمی‌کند.^۲

۱. توسلی، محمد سجاد، صادقی نشاط، امیر. (۱۴۰۰).

۲. قالیبافان، مریم، شمس، احمد، باقرزاده، احد. (۱۴۰۳).

۴-۳. رجحان مزایای داوری پذیری بانکی بر معایب آن

فواید و مزایای داوری امری تثبیت شده در طی ده‌ها سال گذشته است و ادبیات حقوقی دهه‌ها پیش بر این امور صحه گذارده است. و تاکنون نیز در تمامی پژوهش‌های مربوط به داوری و قیاس آن با محاکم دادگستری، هم در عرصه داوری داخلی و هم بین‌المللی، به آن‌ها اشاره یا تصریح می‌شود.^۱ در بسیاری از کشورها، همچنان مقاومت محاکم در اجرای مفاد داوری و نیز برخی از تاخیرهای نهادهای داوری در شروع یا جریان فرآیند داوری را از معایب آن برشمرده‌اند. و همچنین، برخی آن را برای دعاوی چندجانبه مناسب نمی‌دانند. زیرا دیوان داوری، برخلاف دادگاه، نمی‌تواند شخص را که طرف داوری نیست ملزم به حضور داوری کند، اما دادگاه توانایی جلب ثالث را دارد.^۲ با همه کاستی‌های داوری، همچنان داوری تجاری بین‌المللی ارجح‌ترین شیوه حل و فصل اختلافات در تجارت بین‌الملل است^۳ و به نظر می‌رسد انعطاف‌پذیری داوری و هزینه اندک و سرعت و دقت در رسیدگی و قابلیت اجرای بهتر آرای آن در داوری تجاری بین‌المللی مزایای عمده آن هستند، که شاید جز مورد اخیر، سایر مزایا را در داوری داخلی نیز می‌توان ملاحظه نمود و به داوری بانکی نیز می‌توان تعمیم داد. نهادهای سازی داوری، پذیرش و اجرای آن از سوی محاکم را نیز تسهیل خواهد نمود.

در واقع، مزایای داوری در دعاوی بانکی تبلور مضاعفی دارد. هزینه دادرسی در دعاوی بانکی در محاکم، به‌ویژه محاکم ایران، در قیاس با داوری بسیار زیاد است. از سوی دیگر، قضات متخصص در این مقوله بسیار کم و تراکم کاری شعب دادگستری نیز بسیار بالاست و این امر تاثیر منفی مضاعفی در دعاوی بانکی، که غالباً بسیار پیچیده‌اند، می‌گذارد.

بنابراین، مزایای داوری بانکی از معایب آن بسیار بیشتر است و رجحان مزایا بر معایب، انتخاب نهاد داوری تخصصی را به‌عنوان مرجع حل و فصل دعاوی بانکی تایید می‌کند.

در نهایت اصلاح قوانین و اعطای برخی اختیارات محاکم به داوران، نظیر امکان صدور دستور موقت و همچنین آموزش حقوق بانکی و ایجاد نهادهای تخصصی داوری بانکی، می‌تواند بسیاری از کاستی‌های داوری را حذف یا کاهش داده و در مقابل مزایای داوری را تقویت کند.

1. Herzog, F.(1995).

2. Sastrowiyono, A. A.-F. (2019).

3. Antonopoulou, G. (2023)

۵. موانع قانونی ارجاع اختلاف بانکی به داوری

اصلی‌ترین مانع قابل تصور برای داوری، محدودیت‌هایی است که در اصل ۱۳۹ قانون اساسی آمده است، که مقرر می‌دارد: در صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد، در مواردی که طرف دعا خارجی باشد و در موارد مهم، باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

در بادی امر به نظر می‌رسد که داوری در مورد اختلافات اشخاص با بانک‌های دولتی بر این اساس، غیرممکن است در این خصوص ذکر چند نکته ضروری است:

الف: اموال دولتی و عمومی با اموال شرکت‌های دولتی دو مفهوم جداگانه است. شرکت دولتی، زمانی دولتی است که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به دولت باشد. اما نباید از نظر دور داشت که شرکت دولتی دارای شخصیت حقوقی مستقل از سهامداران است، همانطور که شخصیت حقوقی شرکت از سهامداران آن در سایر شرکت‌ها مجزا و مستقل است.^۱ این قاعده در خصوص شرکت‌های دولتی نیز مجرا و مراعات. در غیر این صورت، می‌توان آرای محاکم را، که مثلاً علیه یک شرکت دولتی صادر شده است و باید آن شرکت وجهی به محکوم‌له بپردازد، از سایر شرکت‌ها و اموال دستگاه‌های دولتی مطالبه و توقیف کرد و به مزایده گذاشت. امری که منطبق حقوقی و رویه قضایی آن را برنمی‌تابد، زیرا اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌ها از سهامداران و شرکا امری مسلم است.

بانک‌ها نیز جملگی شرکت‌های سهامی‌اند و در هر کدام که دولت سهام بیشتری در آن دارد نیز خللی بر استقلال شخصیت حقوقی آن وارد نمی‌سازد. لذا می‌توان گفت که بحث تخصصاً از دامنه شمول حکم اصل ۱۳۹ خارج است. (خروج موضوعی دارد)

ب: بحث داوری و شرط داوری در اساسنامه بسیاری از شرکت‌ها، از جمله شرکت ملی نفت ایران، گنجانده شده است و این امر هیچگاه مورد تعرض شورای نگهبان قرار نگرفته است.

ج: آنچه در اصل ۱۳۹ آمده است، اموال عمومی و دولتی است و آنچه بانک‌ها در بانکداری به کار می‌برند سرمایه و سپرده‌های سهامداران و مردم است. بانک وکیل سهامداران و سپرده‌گذاران در به جریان انداختن وجوه ایشان و کسب سود و تقسیم آن بین ایشان است. در واقع پول و

۱. شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۳).

سرمایه عمدتاً متعلق به مردم و سپرده‌گذاران هستند و اموال دولتی و عمومی محسوب نمی‌شوند. از سوی دیگر، حتی اگر این پول متعلق به دولت باشد، آن را در شخصیت حقوقی مستقل از خود، یعنی بانک به عنوان شرکتی مستقل، که شرح آن رفت، سرمایه‌گذاری می‌کند و از این بابت نیز اموال ممنوعیت داوری پذیری ندارند.

بنابراین یکی از نظریات شورای نگهبان، که در سال ۱۳۷۲ صادر و اموال شرکت‌های دولتی را هم مشمول اصل ۱۳۹ می‌داند، خلاف اصل پذیرفته شده حقوقی استقلال شرکت از سهامداران است و از این نظر این تفسیر مورد انتقاد جدی است.

۵: سیاق عبارت اصل ۱۳۹ به گونه‌ای است که صلح دعاوی راجع به اموال دولت را منوط به احراز شرایطی کرده است و، از آنجا که در داوری‌ها نیز مصالحه امر رایجی است، لذا مقنن از عبارت داوری نیز سخن به میان آورده است و الا شورای نگهبان در نظریه سال ۱۳۶۵ خود تصریح کرده است، که طرح دعوا در مراجع قضایی شامل اصل ۱۳۹ نمی‌باشد.^۱ حال پرسش این است که، مراجع دادگستری چه ویژگی دارند که مراجع داوری ندارند؟

آیا غیر از این است که صلح دعاوی در داوری رواج بیشتری دارد تا دادگستری و وقتی صراحتاً مصالحه دعاوی را نهی کردیم و به رسیدگی قضایی بدون مجوز خاصی رضایت دادیم، دیگر وجه فارق بین داوری داخلی و دادگستری در مورد امکان رسیدگی به ماهیت دعوا وجود نخواهد داشت.

در وضع فعلی، و نظر به ماهیت سرمایه‌های بانک، که اغلب سپرده‌های مردم هستند که به سایر مردم در قالب تسهیلات اختصاص می‌یابند، لذا از منابع دولت تلقی نمی‌شوند، بنابراین امکان داوری پذیری دعاوی ناشی از قراردادهای بانکی نیز علی‌الاطلاق مشکلی ندارد.

۵: فرض مقنن در قانون اساسی از داوری، ناظر به این است که داوری را همانند مصالحه غیر قابل اعتراض در نظر گرفته است. این درحالی است که، اگر آرای داوری مخالف قوانین موجد حق یا خارج از اختیار داور یا خارج از موضوع داوری یا خارج از مدت داوری یا مخالف با اسناد رسمی و معتبر قانونی یا توسط داوران فاقد صلاحیت یا مبتنی بر قرارداد باطل صادر شده باشند، به صراحت قانون باطلند و قابلیت اجرایی ندارند.

بنابراین، آرای داوری مصون از نظارت و مداخله محاکم نیستند و از امور هفتگانه‌ای که

۱. فتیحی، محمد، کوهی اصفهانی، کاظم. (۱۳۹۷).

برشمردیم، نمی‌توانند تخطی کنند. لذا با مصالحه، که غالباً قطعی و نوعاً غیرقابل ابطال است، فرق بسیار دارند. از این بابت نیز می‌توان گفت مراد مدونان قانون اساسی محدود ساختن مصالحه بوده است چه این مصالحه در داوری محقق شود یا در دادگستری.

هرچند ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی نیز به گونه‌ای عبارات اصل ۱۳۹ قانون اساسی را تکرار کرده است و بر ابهامات داوری‌پذیری افزوده و بر داوری‌پذیری بدون مصوبه هیئت دولت، آن هم به شکل موردی، و اطلاع مجلس تأکید و تکرار کرده است لذا جا دارد شورای نگهبان با تفسیری روشن، نظرات قبلی خود را تصحیح و اقلأً شرکت‌های دولتی را از این برداشت قابل انتقاد فعلی خارج کنند.

و: می‌توان گفت، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، که کلاً رویکرد دولتی اقتصاد را به سمت تعاونی و خصوصی‌سازی سوق داد و بر خصوصی‌سازی بانک‌ها و شرکت‌های دولتی به اصرار کوشید، نیز حکایت از این امر دارد که اقلأً داوری در مورد شرکت‌های دولتی از محدودیت‌های اصل ۱۳۹ مستثناست. زیرا در همین قانون و قانون برنامه پنج‌ساله سوم از مرجع داوری برای حل و فصل اختلافات ناشی از واگذاری‌ها سخن گفته است، که ماهیت آن مرجع، هرچه باشد، قطعاً قضایی و دادگستری نیست و تجدیدنظر از احکام آن نیز در صلاحیت دادگاه بدوی است. این در حالی است که، داوری قابل اعتراض و قابل تقاضای ابطال در دادگاه است و رأی صادره نیز قابل پژوهش است. یعنی رأی داوری در این خصوص نیز از بابت جهات ابطال دارای رسیدگی چند مرحله‌ای است، اما مرجع داوری و واگذاری‌های مذکور فاقد مرحله پژوهش در محاکم تجدیدنظر و فاقد امکان فرجام تحت هر شرایطی است.

ز: مشروح مذاکرات مجلس در مورد تصویب اصل ۱۳۹ نیز نشان می‌دهد، مقصود نمایندگان از تصویب این اصل در مورد اموالی است که ۱۰۰ درصد در مالکیت دولت است و موید آن استنباط، مثال‌های به کار رفته در این خصوص است، که در مورد هواپیماهای فانتوم یا ماشین‌آلات راهسازی و نظایر آن است، که تحت تملک دولت قرار دارند.^۱

ح: به نظر می‌رسد، شرط مندرج در اصل ۱۳۹ و ماده ۴۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی، راجع به موضوع داوری است نه طرف داوری و لذا دستگاه‌های دولتی می‌توانند طرف دعوای داوری باشند، مشروط بر اینکه مربوط به اموال عمومی و دولتی نباشد. از طرفی اموال دولتی اموالی

۱. عبدالرحیمی، ملیحه، رضایی، علی. (۱۴۰۱).

هستند که از بابت اعمال حاکمیت در اختیار دولت هستند مانند اموال وزارتخانه‌ها و اموال مذکور در ماده ۲۶ قانون مدنی.

ط: از سوی دیگر شرکت‌های دولتی غالباً تصدی‌گرند، لذا دارایی ایشان اموال دولتی یا عمومی تلقی نمی‌شود و اموالی که در اختیار این شرکت‌ها برای تجارت و داد و ستد قرار می‌گیرد، جهت تصدی‌گری است نه از باب اعمال حاکمیت. زیرا اگر این گونه نبود، مدیران در انجام تجارت و داد و ستد به نفع شرکت با اموال مذکور مجاز نبوده و اقدام ایشان مشمول دخل و تصرف بوده و قابل تعقیب حقوقی و کیفری می‌شدند. به‌ویژه اینکه، مقنن در قانون محاسبات عمومی هرجا خواسته اموال شرکت‌های مذکور را مورد اشاره قرار دهد، از عبارت «اموال شرکت‌های دولتی» یا «اموال متعلق به شرکت‌های دولتی» استفاده و آن را از «اموال دولت» تفکیک کرده است.^۱ بنابراین، می‌توان بر قابلیت داوری‌پذیری دعاوی بانک‌های دولتی تأکید کرد و برای رفع هرگونه ابهام می‌توان در قوانین مربوط به اساسنامه‌های بانک‌های دولتی این امر را پیش‌بینی و تصریح، یا به صورت ماده واحده، به کلیه قوانین اساسنامه‌های بانکی اضافه کرد.^۲

البته گاهی اموال دولتی به معنی اموال عمومی نیز بکار گرفته می‌شود، که این کاربرد اشتباه است. اموال دولتی به معنی دقیق کلمه، ملک دولت بوده، اصل بر امکان واگذاری آن است و این واگذاری بر اساس قوانین عام صورت می‌پذیرد. این‌گونه اموال بیشتر در اعمال تصدی دولت بکار می‌رود. واگذاری اموال دولتی به معنی عام یا همان اموال ملی یا اموال حکومت که مشترکات عمومی و انفال هم خوانده می‌شود نیز - اگرچه ملک دولت بوده و اصل بر امکان واگذاری آن است - بر اساس قوانین خاص قابل تحقق است. این قبیل اموال در راستای اعمال حاکمیتی دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد. اموال عمومی نیز دارای معنای عام و خاص است. در معنای خاص به اموالی گفته می‌شود که ملک عموم مردم بوده، اصل بر عدم امکان واگذاری آن است و اختصاص به اعمال حاکمیتی دارد. از همین رو، بعید نیست که مقصود مقنن قانون اساسی و قانون آیین دادرسی مدنی از اموال دولتی که در ردیف اموال عمومی قرار داده است، اموال دولتی باشد که برای مصارف و مصالح عمومی اختصاص داده شده است. وجود حرف رابط (و)، که عبارت اموال دولتی و اموال عمومی را به هم متصل نموده است، موید این نظر است که در بین

۱. هندی، سید اصغر، (۱۳۸۶).

۲. عطاشنه، زهرا، عطاشنه، منصور، پاسبان، محمدرضا، هاشمی‌زاده کهنی، علیرضا، (۱۴۰۰).

اموال دولتی فقط آن دسته از اموال دولتی، که انتقال آن‌ها مطابق قوانین عمومی امکان‌پذیر نمی‌باشد، مشابه اموال عمومی هستند. از این رو باید گفت اختلافات راجع به اموال دولتی به معنی خاص، که در جهت تصدی‌گری استعمال می‌شوند، مشمول اصل ۱۳۹ نمی‌باشند.^۱

۶. رویکرد نظام بانکی به داوری

بانک‌ها در سطح دنیا رویکرد نسبتاً محافظه‌کارانه‌ای به داوری دارند و این امر در ایران نیز قابل مشاهده است.

«درست یا نادرست، بانکداران اغلب از بیم تصمیمات و احکام غیرعادی یا تفکیک اختلافات تحت رسیدگی در داوری‌ها به‌طور نسبی در مقابل داوری مقاومت کرده‌اند. ذهنیت ساده‌گرای بانکداران و احترام و اعتنائی که نسبت به عرف دارند باعث شده دادگاه‌ها را به داوری ترجیح دهند...»^۲ مواردی نظیر بی‌طرفی سیاسی محاکم در کشور در مواجهه با دعاوی بانکی، وجود اموال و دارایی‌های وام‌گیرنده در کشوری که آرای محاکم خارجی در آن اجرا نمی‌شود نیز می‌توانند در رغبت یا عدم رغبت بانک‌ها در جهت مراجعه به داوری مؤثر باشند.^۳ به دیگر سخن، امنیت حقوقی اولین دغدغه در مورد قراردادهای بانکی می‌باشد و لذا به‌تدریج ارجاع به داوری یا درج شرط داوری در قراردادهای بانکی در سطح دنیا قابل مشاهده است. پیچیدگی مسائل بانکی و سرعت در رسیدگی و خود سامان، خود فرمان و خود بسنده بودن داوری و هزینه کمتر رسیدگی داوری منجر به فاصله‌گیری از روش‌های رسیدگی قضایی و بهره‌مندی بیشتر از شیوه داوری برای حل و فصل اختلافات بانکی شده است.

وجود داوری مناسب در سیستم حقوقی یک کشور می‌تواند در تقویت باور سرمایه‌گذاران خارجی در امنیت سرمایه‌گذاری در آن کشور نیز مؤثر باشد.^۴

اما تمایل بانک‌ها به مراجعه به داوری همچنان کمتر از میل آن‌ها به مراجعه به دادگاه است.^۵ و این امر به‌ویژه در بانکداری داخلی و درون یک کشور بیشتر است. یعنی در مسائل

۱. کریمی، عباس. پرتو، حمیدرضا. (۱۳۹۱).

۲. پارک، ویلیام. (۱۳۸۲).

۳. همان، ص ۵۹.

4. Mulaj, V. (2018).

5. Ollivier, N, dos Santos, C. (2020)

بانکی، که مشتری نیز در همان کشور است و بحث تجارت بین‌المللی نیست، ترجیح به مراجعه به دادگاه جهت حل و فصل اختلافات قراردادهای بانکی است.

شاید بتوان تأخیر و اختلافات طرفین در مورد گزینش هیات داوری یا انتخاب سر داور و نیز اعتراض طرف بازنده (محکوم) رأی داوری به دادگاه و تلاش برای ابطال آن، را که بعضاً موجب اطاله‌های بسیار نیز می‌شود، از موارد عدم گرایش به داوری دانست. حتی بعضاً اصل موافقت‌نامه داوری توسط یکی از طرفین مورد خدشه قرار می‌گیرد، که ممکن است هدف صرفاً اطاله باشد.

اما بانک‌ها علاوه بر این دلایل احتمالی دغدغه‌های دیگری نیز دارند، از جمله این که چون ماده ۱۵ قانون بانکداری بدون ربا قراردادهای بانکی منعقد شده برابر این قانون را در حکم اسناد رسمی می‌داند و در صورتی که در مفاد آن بین طرفین اختلافی نباشد لازم‌الاجرا و تابع مفاد آیین‌نامه اجرای اسناد رسمی می‌داند، لذا بانک‌ها این تصور را دارند که ارجاع به داوری یا ممکن است به منزله عدول از این مزیت تلقی شود و یا موجب اطاله موضوع و تأخیر در استفاده از این مزیت شود.

در پاسخ باید گفت که این دغدغه وارد نیست، زیرا اولاً این ماده نیز اجرای قرارداد بانکی به مانند اسناد رسمی را منوط به فقدان اختلافات طرفین در مفاد آن دانسته است. بدیهی است حصول اختلافات در مفاد آن منجر به رسیدگی در محکمه خواهد شد. و بالمآل اگر شرط داوری در قرارداد باشد نیز در صورتی فعال می‌شود که اختلافی حاصل شده باشد. لذا بانک می‌تواند اجرای قرارداد را طبق سایر اسناد رسمی یا در حکم آن‌ها، مطالبه و تقاضا کند و در صورتی که طرف اختلاف معترض مفاد قرارداد شود و اختلافی به وجود آید مرجع داوری به مانند دادگاه می‌تواند در آن ورود و رسیدگی کند. لذا صرف تعیین مرجع حل اختلاف به معنی تنزل یا تضعیف اعتبار قرارداد بانکی نیست، مگر اینکه رسیدگی ماهوی و قضایی مرجع حل اختلاف به نتیجه‌ای برسد که در مفاد قرارداد و اجرای آن تخدیش کند.

ثانیاً اگر مطلوب بانک‌ها سرعت عمل در احقاق حقوق بانک باشد نیز داوری مناسب‌ترین راه است، زیرا اگر طرف قرارداد بانکی، در مفاد آن اعتراضی داشته باشد رسیدگی به آن با سرعت بسیار بیشتری از سوی داوری انجام می‌شود. از سوی دیگر، ابطال پذیری رأی داوری باعث

شده است که بانک‌ها تصور کنند احکام داوری قطعیت ندارند.^۱ این تصور بانک‌ها برداشت نادرستی از آرای داوری است و موارد ابطال آرای داوری بسیار مشخص و احصای به حصر شده است. بنابراین فرض ابطال داوری و مصادیق و موارد قانونی آن بسیار کمتر از احتمال نقض رأی دادگاه در رسیدگی مرحله پژوهش یا فرجام است. به نظر می‌رسد آموزش مدیران بانکی و افزایش دانش حقوقی و داوری مدیران بانک‌ها، همراه با مداخله حداقل توصیه‌ای بانک مرکزی برای ارجاع اختلافات به داوری، می‌تواند راهگشا باشد.

قانون بانک مرکزی کوشیده است گامی رو به جلو در حل و فصل اختلافات حقوقی بردارد. ماده ۳۵ این قانون مقرر می‌دارد:

الف. اختلافات حقوقی اشخاص تحت نظارت با یکدیگر و با مشتریان آن‌ها و سایر اشخاص ذی ربط که مرتبط با موضوع فعالیت در اساسنامه اشخاص تحت نظارت باشد توسط شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی با استفاده از امکانات و نیروی انسانی موجود قوه قضائیه و در محدوده امکانات آن قوه در مراکز استان‌ها و شهرهای پرجمعیت تشکیل می‌شود. شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی شامل شعب بدوی و تجدیدنظر هستند....

ب. بانک مرکزی می‌تواند با تأیید هیأت عالی، کارشناسانی را برای ارائه مشاوره به قضات شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی به رئیس قوه قضائیه معرفی کند. قضات ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی موظفند قبل از انشای رأی، نظر کارشناس یا کارشناسان معرفی به شعبه را استعلام کنند و در صورتی که رأی آنان خلاف نظر کارشناس یا کارشناسان معرفی شده باشد، باید در رأی خود دلایل رد نظر کارشناس را تصریح نمایند.

پ. شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی از حیث دادرسی و هزینه دادرسی تابع قوانین مربوط هستند.

ت. حق الزحمه کارشناسان موضوع این ماده توسط هیأت عالی تعیین و از محل بودجه بانک مرکزی پرداخت می‌شود....

این مقرر گام بلندی در رسیدگی‌های تخصصی به پرونده‌های بانکی محسوب می‌شود.

۷. امکان ارجاع به داوری در اختلافات بانکی با تصویب قانون جدید بانک

مرکزی

ماده ۳۵ بیان کرده است که، اختلافات حقوقی اشخاص تحت نظارت با مشتریان در شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی رسیدگی می‌شود. این مقرر در صدد نفی یا حتی تحدید روش حل و فصل اختلافات به دادگستری نیست، بلکه به معنی ایجاد شعب ویژه رسیدگی در محاکم دادگستری برای حل و فصل دعاوی مذکور است.

در واقع ایجاد شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی به منزله سلب حق مراجعه به داوری توسط طرفین نمی‌باشد، زیرا اگر منظور مقنن سلب حق رسیدگی داوران بود به صراحت از این امر سخن می‌گفت و بیان می‌کرد که دعاوی بانکی صرفاً در محاکم دادگستری رسیدگی می‌شوند و داوری پذیر نیستند.

این در حالی است که، فقدان تصریح مذکور به معنی بقای حق موجود و امکان مفروض است. این امر از اطلاق ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیز استنباط می‌شود. برابر این ماده، اصل بر داوری پذیری دعاوی است، مگر اینکه خلاف آن تصریح شده باشد. تصویب ماده ۳۵ نیز اصلاً در مقام تحدیش اصل داوری پذیری دعاوی بانکی نیست. اصلاً مقنن در مقام بیان احکام داوری نیست لذا داوری پذیری دعاوی بانکی همچنان فاقد منع قانونی است.

۸. حدود اختیار داوران در مواجهه با مقررات مخالف قوانین موضوعه در

دعاوی بانکی

پرسش این است که، آیا داور نیز به مانند قاضی دادگاه می‌تواند در رسیدگی و صدور رأی مستندات مستظهر به مقررات خلاف قانون موضوعه را رد کند و به آن‌ها ترتیب اثر ندهد؟

ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی صراحتاً می‌گوید: رأی داور نباید مخالف قوانین موجد حق باشد. لذا داور، در مواجهه با مقررات مخالف قوانین موضوعه موجد حق، تکلیف دارد که به آن‌ها ترتیب اثر ندهد و قانون را سرلوحه رسیدگی خویش سازد.

اصل ۱۷۰ قانون اساسی نیز قضات را مکلف می‌کند تا مصوبات و مقررات دولتی مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیار قوه مجریه را اجرا نکنند. اصل ۱۶۶ نیز بر مستند و مستدل بودن رأی به مواد قانون و اصولی که براساس آن حکم صادر شده است، تصریح دارد.

بنابراین، داور نیز در مقام رسیدگی حقوق و تکالیف فوق را دارد. ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی گامی فراتر نهاده است و قصات را مکلف به صدور رأی مبتنی بر قوانین موضوعه کرده است و در صورت فقدان قانون موضوعه یا نقص آن یا عدم صراحت آن، وی را مکلف به صدور رأی مستنداً به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر یا اصول حقوقی کرده است. به نظر می‌رسد مقنن تعمداً از آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های دولتی سخن به میان نیاورده است و بر این اساس پر واضح است که آیین‌نامه‌های خلاف موازین شرعی و حتی مخالف فتاوی معتبر نیز مجرای صدور رأی برای قاضی نیست.

داور نیز نمی‌تواند از این قاعده در داوری داخلی مستثنا باشد. به نظر می‌رسد این امر به نفع کسانی است که اختلافات خود با بانک‌ها را مستند به تخلفات بانک‌ها از موازین شرعی بدانند، در این صورت مقررات بانک مرکزی نیز می‌توانند در صورت مخالفت با قوانین موضوعه و قواعد شرعی مورد پذیرش داور نیز قرار نگیرند.

برای حل و فصل اختلافات روش‌های ترکیبی نیز وجود دارد، که امتزاج داوری و میانجیگری یا داوری با سازش، از جمله آنهاست. و بعضاً در برخی دعاوی تجاری به‌ویژه دعاوی تجاری بین‌المللی مفید و موثر است.^{۲۱}

به نظر می‌رسد، این امور در دعاوی بانکی ممکن نیست. زیرا، اولاً در داوری بانکی، به‌ویژه در بانکداری اسلامی که بانک وکیل سپرده‌گذاران است، نمی‌تواند از حقوق بانک و سرمایه سپرده‌گذاران کوتاه بیاید و موضوع را به سازش خاتمه دهد. ثانیاً در شرایطی که توفیقی در جا انداختن و مرسوم ساختن روش داوری در دعاوی بانکی حاصل نشده است، پیشنهاد روش‌های مختلط می‌تواند امکان ترویج روش نظام‌مند داوری را با شکست و ناکامی مواجه سازد. بنابراین دعاوی بانکی، به‌ویژه در بانکداری ایران، فعلاً تاب شیوه‌های مختلط را ندارد.

۹. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این بخش ابتدا نتایج پژوهش را بیان و سپس پیشنهادهایی را مبتنی بر استنتاجات مطرح می‌کنیم:

۹-۱. نتیجه گیری

پژوهش پیش رو در مورد بررسی امکان داوری پذیری دعاوی بانکی بود. و اینکه، به فرض امکان قانون داوری در حقوق بانکی، چه مزایا و نیز چه معایب یا چالش هایی در این راه وجود دارد.

پژوهش حاضر نشان داد که:

- نظریه مختلط بر داوری ایران به ویژه داوری بانکی حاکم است. و این امر علاوه بر ماهیت داوری از ماهیت حقوق بانکی که (خصوصی عمومی است) ناشی می شود.
- داوری پذیری دعاوی بانکی، مستنداً به قاعده داوری پذیری عموم دعاوی - جز آن ها که قانون آن ها را ممکن نمی داند - مقبول و شدنی است.
- ماده ۳۵ قانون بانک مرکزی، که سال گذشته به تصویب رسید و محاکم ویژه را برای رسیدگی به دعاوی بانکی مشخص ساخت، مانعی برای انجام داوری های بانکی نیست.
- به عقیده ما ممنوعیت اصل ۱۳۹ شامل امکان ارجاع دعاوی بانکی بانک های دولتی به مراجع داوری نیست. زیرا شرکت های دولتی، در راس آن ها بانک ها، شخصیت حقوقی مستقلی از دولت دارند و مضافاً غالب منابع آن ها سپرده های مردم است و همچنین آنچه مورد نهی قانونگذار است اموالی است که در اعمال حاکمیت به کار می رود و فعالیت بانک های دولتی از مصادیق اعمال تصدی است.
- دغدغه اصلی بانک، اینست که قرارداد بانکی را برابر ماده ۱۵ قانون بانکداری بدون ربا سند رسمی می داند و نگران است که ارجاع حل اختلاف به داوری، تخدیش قوه اجرایی قرارداد بانکی باشد، که در حکم سند لازم الاجراست. در پاسخ گفتیم، چنین نگرانی بی مورد است و قانون نیز هر نوع اختلاف در مفاد قرارداد را قابل رسیدگی در دادگاه می داند و اصل داوری پذیری دعاوی حقوقی نیز مآلاً آن را قابل رسیدگی در مرجع داوری می داند.
- نگرانی دیگر اطلاعیه های تشکیل نهاد داوری است، به ویژه وقتی تعدد داوران مد نظر است. به نظر می رسد این ایراد با تعیین نهادهای داوری سازمان یافته و قاعده مند و مجرب نظیر مراکز داوری اتاق های بازرگانی یا مراکز داوری کانون های وکلا بتواند تا حدود زیادی برطرف شود.
- مورد دیگر عدم تخصص کافی داوران در مقوله حقوق بانکی است. امری که در محاکم

نمود عینی‌تری دارد و تنها راهکار آن آموزش حقوق بانکی در دادگاه‌ها و نیز ترویج نهاد داوری و نیز حقوق بانکی از طریق تدریس و آموزش وکلا و حقوقدانان توسط کانون‌های وکلای دادگستری است.

۹-۲. پیشنهادها

۱. پیشنهاد اصلی این پژوهش، ترویج داوری از طریق آموزش مدیران بانکی و حقوقدانان، درج شرط ارجاع امر به داوری مراجع معتبر داوری است، که مورد اخیر همت بانک مرکزی را می‌طلبد.
۲. توصیه می‌شود، حداقل در برخی از قراردادهای بانکی به‌ویژه برخی از عقود مشارکتی امکان ارجاع امر به داوری را در قراردادهای بانکی شرط کنند، تا منافع و مضار احتمالی داوری در دعوی بانکی در بوته عمل مشاهده شود.
۳. آموزش حقوق بانکی، و به‌ویژه دعاوی بانکی، به داوران و مدیران بانکی نیز در کاهش دعاوی بانکی و اصدار آرای عادلانه و مبتنی بر موازین نظام بانکی نیز توصیه بسیار مهمی است، که ترویج داوری بانکی به مدد آن نتایج مثبت و کاملاً ملموسی خواهد داشت.
۴. آموزش قضات و کارآموزان قضایی در زمینه‌های مذکور نیز از ضروریات است. مخصوصاً نحوه مواجهه ایشان با قرارداد و شرط داوری و آرای صادره از سوی نهادهای داوری و داوران از اهم موارد است.
۵. اصلاح قانون و اعطای اختیارات بیشتر به مراجع داوری تخصصی نیز در اجرای عدالت و انجام رسیدگی‌های مناسب داوری موثر خواهد بود.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های استفاده شده یا تولید شده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- اسدی نژاد طاهر گورابی، سید محمد، اسدی نژاد طاهر گورابی، میرحامد. (۱۳۹۳). دستور موقت در داوری های ملی و بین المللی. پژوهش روابط بین الملل، دوره نخست، شماره چهاردهم، زمستان، صص ۵۹-۶۰
- پارک، ویلیام. (۱۳۸۲). داوری در قراردادهای بانکی. ترجمه محسن محبی. مجله حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۲۸، صص ۴۵-۶۰. CILAMAG/۱۰، ۲۰۶۶-۲۰۰۳/۱۸۰۶۶
- تشدید، مسلم. (۱۳۹۷). محدودیت های داور در صدور و اجرای دستور موقت. نشریه وکیل مدافع، شماره ۱۷، پاییز، صص ۱۶۷-۱۸۸
- توسلی، محمد سجاد، صادقی نشاط، امیر. (۱۴۰۰). تاثیر ورشکستگی فرامرزی بر داوری تجاری بین المللی با تأکید بر حقوق ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۹۹، تابستان، صص ۱۴۷-۱۷۸
10.22034/IJTS.2021.246739
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۰). مبسوط، جلد سوم، گنج دانش، چاپ پنجم.
- جنیدی، لعیا، حق پرست، رضا. (۱۳۹۳). خلأهای قانونی آیین دادرسی مدنی در صدور قرار دستور موقت از جانب داور. حقوق خصوصی، دوره ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۴۱-۴۳. ۱۰/۲۲۰-۴۳/۱۰
- 59/JOLT.2014.53134
- خدابخشی، عبدالله. (۱۴۰۱). حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی. شرکت سهامی انتشار، چاپ یازدهم.
- خزاعی، حسین. (۱۳۸۸). خصوصی و محرمانه بودن داوری در حقوق تجارت داخلی و بین المللی. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی. دوره ۳۹، شماره ۳، پاییز، صص ۱۰۵-۱۲۴.
- 20.1001.1.25885618.1388.39.3.6.4
- رضوانیان، اویس. (۱۳۹۶). بررسی ماهیت هیئت داوری موضوع ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ با نگاهی به رویه قضایی. فصلنامه علمی پژوهشی برنامه و بودجه، سال بیست و دوم، شماره ۲، صص ۱۵۷
- 20.1001.1.22519092.1396.22.2.6.3182
- زنگی آبادی، محمدرضا. (۱۴۰۰). اعتبارسنجی شرط داوری در قراردادهای بانکی با رویکرد فقهی و حقوقی. فصلنامه تحقیقات کاربردی فقه و حقوق، سال اول، شماره ۱، صص ۴۵-۷۲.
- شمس، عبدالله، بطحائی، سید فرهاد. (۱۳۹۴). ماهیت حقوقی داوری. فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۰، صص ۱-۲۹.
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۳). حقوق نفت و گاز. نشر میزان، چاپ دوم، پاییز.
- عبدالرحیمی، ملیحه، رضایی، علی. (۱۴۰۱). ساز و کار موثر حل و فصل اختلافات بین المللی بانک های ایرانی با نظر به ظرفیت های فقهی. حقوق اسلامی. سال بیست و سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۵۶، تابستان، صص ۲۹۵-۳۲۶.

10.30497/LAW.2022.239565.2913

علی دادی ده کهنه، علی، جوهری، ابوذر. (۱۳۹۸). حقوق داوری کاربردی (داخلی و بین‌المللی) همراه رویه قضایی ایران و بررسی مقررات آنسیتال. نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

عطاشنه، زهرا، عطاشنه، منصور، پاسبان، محمدرضا، هاشمی‌زاده کهنی، علیرضا. (۱۴۰۰). قابلیت داوری اختلافات بانکی در حقوق ایران. فصلنامه آیین دادرسی مدنی. دوره یک، شماره یک.

فتحی، محمد، کوهی اصفهانی، کاظم. (۱۳۹۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان. پژوهشکده شورای نگهبان.

قالیبافان، مریم، شمس، احمد، باقرزاده، احد. (۱۴۰۳). تسری شرط داوری به شخص ثالث در مقررات سازمان‌های بین‌المللی داوری و نظام حقوقی ایران. پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۱۱۰، شماره ۲۸، بهار، صص ۱۵۶

187.10.22034/IJTS.2024.2025362.3971

قاسمی حامد، عباس، براری چناری، یوسف، جهانیان، مجتبی. (۱۴۰۰). بررسی داوری اجباری اختلافات حوزه بازار اوراق بهادار با نگاهی به آرای هیئت داوری، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۵۴، تابستان، صص ۱۲۰

149.10.22034/JSE.2020.11202.1420

قاسمی، مهدی، اندرز، دود، واحدی زاده، جواد. (۱۴۰۲). دلایل اقتصادی کارایی داوری در نظام حقوقی ایران، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره اول. صص ۱۷-۳۴. ۸۰/۲۲۰۳۴.۳۴. EJS ۲۰۲۳/۳۶۷۸۲۲/۱۳۲۰

قنبری، حمید. (۱۴۰۲). نگاهی به نظام حل و فصل اختلافات در قانون جدید بانک مرکزی، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۵۹۰۶۲، زمستان.

کریمی، عباس. پرتو، حمیدرضا. (۱۳۹۱). داوری‌پذیری دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی. فصلنامه پژوهش حقوق، سال چهاردهم، شماره ۳۶، بهار، صص ۱۵۷-۱۸۴.

مافی، همایون، محمد حسین، تقی‌پور. (۱۳۹۶). ماهیت حقوقی نهاد داوری، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۷۷-۲۰۴.

<https://doi.org/10.22054/jplr.2017.8140>

محبی، محسن. (۱۳۹۵). قوانین و مقررات کاربردی داوری. نشر میزان، چاپ اول، زمستان.

مهاجری، علی. (۱۳۹۲). مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد چهارم، انتشارات فکر سازان، چاپ چهارم.

میرزا نژاد جویباری، اکبر، رضوانیان، اویس. (۱۴۰۱). نقش قرارداد در تحقق داوری اجباری در نظام حقوقی ایران فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۰۴، صص ۱۸۱

215.10.22034/IJTS.2021.246871

واحد، شقایق، معبودی نیشابوری، رضا. (۱۳۹۴). استقلال و بی طرفی داور، ترادف یا تمایز؟ مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره یک، بهار و تابستان، صص ۳۹۳-۴۱۲. JCL/۱۰/۲۲۰۵۹. ۲۰۱۵/۵۴۴۱۸. هندی، سید اصغر. (۱۳۸۶). بررسی تسری شروط اصل ۱۳۹ قانون اساسی به اموال شرکت های دولتی. مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۱، زمستان، صص ۶۳-۸۶

<https://doi.org/10.22106/ijl.2007.1130>

هوشمند فیروزآبادی، حسین. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی داوری در حقوق غرب، حقوق ایران و فقه امامیه. فصلنامه تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال نهم، شماره چهارم، صص ۳۳۱-۳۷۲.

10.22091/CSIW.2022.7643.2194

Abdolrahimi, M , Rezaee , A.(2022). Effective mechanisms for resolving international disputes of Iranian banks with regard to jurisprudential capacities. Journal of Islamic Law Research. Vol.23, No. 2, Serial Number 56, PP.219-220. [in Persian]. <https://doi.org/10.30497/law.2022.239565.2913>

Ali Dadi Deh Kohnneh, A, Johari, A. (2019). Applied arbitration law (domestic and international) along with Iran's judicial procedure and review of UNCITRAL regulations. Publication of the Judiciary Press and Publications Center, p. 144.

Antonopoulou, G. (2023). The 'Arbitralization' of Courts: The Role of International Commercial Arbitration in the Establishment and the Procedural Design of International Commercial Courts. Journal of International Dispute Settlement. Vol.14,No.3, p.348. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4365082>. DOI:10.1093/jnlids/idad007

Asadinejad Tahergourabi, M, Asadinejad Tahergoura, H.(2015). Interlocutory Order in National and International Arbitration. International Relations Researches Journal. Vol. 4, No. 14, PP.59-60

Balthasar,Stephan.(2021).International Commercial Arbitration: A Handbook,Published by Beck/Hart/Nomos; 2nd edition P.5. ISBN 978-3-406-74383-2

Atashneh, Z, Atashneh, M, Pasban, M, Hashemizadeh Kohani, A.(2021). Arbitrability of banking disputes in Iranian law. Journal of Civil Procedure. Vol. 1, No. 1, P. 127. [in Persian].

Cole ,Tony,and Autors.(2014). Legal Instruments and Practice of Arbitration in the EU,European Parliament.p291. <http://www.europarl.europa.eu/studies>

Eunice, Ch. (2018). A Contribution to the Conversation on Mixing the Modes of Mediation and Arbitration: Of Definitional Consistency and Process Structure. Transnational Dispute Management (TDM). ISSN 1875-4120, P.13.Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3235429>

Fathi, M , Kohi Esfahani, K . (2017). The Constitution of the Islamic Republic of Iran along with the explanatory comments of the Guardian Council. Guardian Council

- Research Institute, p. 252
- Fazilatfar, H.(2024).Arbitration and the Mandatory Law Problem: A Mixed Mode ADR Approach. Journal of Dispute Resolution. /vol.2024, No.2, p. 80.
<http://scholarship.law.missouri.edu/jdr/vol2024/iss2/6>
- Franck ,Susan D.(2000) .The Liability of International Arbitrators: A Comparative Analysis and Proposal for Qualified Immunity. Journal of International and Comparative Law. Vol 20, p5.
- Ghalibafan, M, Shams,A, Bagherzadeh, A.(2024). Third Party Intervention in the Arbitration Process in the Regulations of International Arbitration Organizations and Iranian Legal System.Journal of Trade Studies. Vol.110, No. 28, P.158. [in Persian].
<https://doi.org/10.22034/ijts.2024.2025362.3971>
- Ghasemi Hamed , A,Barari Chenari, Y , Jahanian, M.(2021). Enforced Arbitration Review of Securities Market Disputes with a Look at Arbitration Boards (Analysis of Article 36 of the Islamic Republic of Iran Securities Market Act ,2005) And a draft law on promoting the country's capital market system. Journal of Securities Exchange. Vol.14, Issue: 54, P.144. [in Persian].
- Ghasemi M, Andarz , D, Vahedizadeh, J.(2023). Economic Reasons for the Effectiveness of Arbitration in Iran's Legal System. Studies of economic jurisprudence. Vol. 5, Issue.1, No. 16, PP.22-23. [in Persian]. <https://doi.org/10.22034/ejs.2023.367822.1320>
- Ghanbari, Hamid. A look at the dispute resolution system in the new law of the Central Bank, daniaye egtesad newspaper, No Khabar. 562, Winter
- Hascher, D.(2012).Independence and Impartiality of Arbitrators, American University International Law Review,vol. 27,p.789
- Hendi, A. (2007). Examining the extension of the provisions of Article 139 of the Constitution to the property of state companies. The Judiciarys Law Journal. Vol. 71, No.61, PP. 63-86.[in Persian].<https://doi.org/10.22106/ijl.2007.11301>
- Herzog, F.(1995). Judicial Review of Arbitration Proceedings - A Present Need. vol.5,iss1. ,p31. <https://via.library.depaul.edu/law-review>
- Hooshmand , H .(2022).A Comparative Study of the Nature of Arbitration in Western Law, Iranian Law, and Imāmiyya Fiqh. Comparative Studies on Islamic and Western Law.9(4).P.333. [in Persian]
<https://doi.org/10.22091/.CSIW.2022.7.643.2194-331-37>
- Jafari Langroudi, M J.(). Mabusut, third volume, Ganj Danesh, fifth edition, p.1880
- Joneidi, L, Haghparast, R.(2014) .The Shortfalls of Iran's Code of Civil Procedure in Issuing Interim Orders by the Arbitrator. Private Law.Vol.11, No .2,P.431. [in Persian].
<https://doi.org/10.22059/jolt.2014.53134>
- Karimi,A, Parto,H.(2012).Null variability prayers related to property and general public.

- Public Law Research. Vol. 14, No. 36, PP. 182-183. [in Persian].
- Kastriote, V.(2020). Arbitration and the Importance of the Arbitration Agreement, European Journal of Educational & Social Sciences, Volume 5, Issue ,p.159.
- Khazaei, H.(2009). Private and confidential boundaries of arbitration in domestic and international Trade law. Private Law Studies Quarterly. Vol. 39, No 3.P.105
- Khodabakhshi, A. (2022). Arbitration rights and claims related thereto in the judicial procedure. Sharkat Sahami Enteshar.11 th edition, pp.160-161. [in Persian].
- Mafi, H, Taghipour M H. (2017).The Examination of Legal Nature of Arbitration Institution. Journal Private Law Research. 6(21),P.181. [in Persian] <https://doi.org/10.22054/jplr.2017.8140>
- Manzanares Bastida, Bruno. (2007). The Independence and Impartiality of Arbitrators in International Commercial Arbitration from a Theoretical and Practical Perspective. Revist@ e-mercatoria, Vol. 6, No. 1, p15., Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1491528>
- Mohabi, M. (2016).Arbitration Laws and Regulations. Mizan Legal Foundation, first edition, winter, p
- Mohajeri, A.(2013). Mabusut in civil procedure, volume 4, Fakr Sazan Publications. 4th edition, p. 185
- Mirzanejad Jouybari, A, Rezvanian, O. (2022). The Role of Contract in Creation of Compulsory Arbitration Under the Iranian Legal Regime. Jouornal of Trade Studies (IJTS). No.104. PP.198-202. [in Persian]. <https://doi.org/10.22034/IJTS.2021.246871>
- Mulaj , V .(2018). The Advantages and Disadvantages of Arbitration in Relation to the Regular Courts in Kosovo. Hungarian Journal of Legal Studies. Vol. 59, No.1, p.131. DOI: 10.1556/2052.2018.59.1.7
- Nguyen,Anh Thuy Dung.(2023).Standards of independence and impartiality in the context of international commercial arbitration,The VMOST Journal of Social Sciences and Humanities , VOL. 65, No.2 ,p91. DOI: 10.31276/VMOSTJOSSH.65(2).85-92
- Ollivier, N, dos Santos, C. (2020). Banking and finance disputes: to arbitrate or not to arbitrate, that is the question. Revue suisse de droit des affaires et du marché financier/ Schweizerische Zeitschrift für Wirtschafts- und Finanzmarktrecht (RSDA / SZW). vol. 4, p.11.
- Park, W. Translated by Mohsen Mohebi .(2003). Making Sense of Financial Arbitration. International Law Review. Vol. 20, No. 28, P.45. [in Persian]. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2003.18066>
- Ranjbar, M, Dehshiri, M. (2017). General and Specific Conditions of Arbitration Agreement, Journal of Politics and Law; Vol. 10, No. 5, p.98. <https://doi.org/10.5539/>

jpl.v10n5p95

- Rezvanian, O. (2017). A Study of the Nature of Arbitration Panel (Article 30 of Iran's Law on Implementation of General Policies of Principle 44) with Attention to the Judicial Precedent. scientific research program and budget. **22(2). P.179**. [in Persian].
- Sastrowiyono, A. A.-F. (2019). The Pro's And Con's Of Arbitration: A Study Of International Arbitration With Perspective Of Indonesian And Korean Law. Lex Renaissance, VOL. 4, No.2, pp.242-243. <https://doi.org/10.20885/JLR.vol4.iss2.art2>
- Shams, A, bathayi F.(2015). Legal nature of arbitration. Journal of Legal Research.No.70. P.1
- Shiravi, A H. (2013). Oil and gas rights. Mizan publication, second edition, autumn, p. 644
- Tashodidi, M. (2018). Limitations of the arbitrator in issuing and enforcing the temporary order. vakil madafe, No.17, P.184
- Tavasli, M S, Sadeghi Neshat, A.(2021).The Impact of Cross Border Insolvency on International Commercial Arbitration with Emphasis on Iranian Law. Journal of Trade Studies. Vol. 25, No. 99, PP.176-177. [in Persian]. <https://doi.org/10.22034/ijts.2021.246739>
- United Nations Commission On International Trade Law(UNCITRAL).(2021). United Nations Vienna,p57.
- Vahed,Sh, Maboudi Neishabouri ,R.(2015). The 'Independence' and 'Impartiality' of Arbitrator; Synonymy or Distinction? (A Comparative Study in International Commercial Arbitration). Comparative Law Review.Vol.6.No.1,PP.397-399
- Zangiabadi,M.(2021). Validation of arbitration conditions in banking contracts with a jurisprudential and legal perspective. Journal of Applied Research Jurisprudence and Law. Vol. 1, No. 1, P.61. [in Persian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی